

حقوق ایشان را بدهد موجود ندارند — مردم بقدری از شعاع السلطنه تنفر دارند که و نجش از ولیعهد را فراموش کرده اند و ولیعهد برؤسای ملت پیغامهای متملقانه فرستاده بنای جابلوسی را گذاشته است .

سفارتین انگلیس و روس از حرکات مستبدین هیچگونه حمایتی نخواهند کرد و ولیعهد را جانشین بالورانه شاه میدانند . چون مرض شاه بشدت عودت یافت و معلوم شد چند روزی پیش زنده نخواهد ماند امدی که قبل از این بواسطه ورود طیب آلمان درمعالجه شدن داشتند بکلی مقطوع گشت و طرفداران شعاع السلطنه از اقدامات خویش مایوس شده کناره جستند — برخی در این موقع بودن ولیعهد را در طهران لازم دانستند لهذا شاهرا باحضار او وادار نمودند .

همین که حکم شاه بولیعهد رسید باکال عجله روز (۴) دسامبر از تبریز عازم طهران شد — آنچه سوار مسلح که می توانست جمع کند و عده آنها بچهار صد نفر می رسید نامه ملازمین ایرانی و یک نفر بیطار فرانسوی موسوم بسپو کاره همراه خویشتن آورد در وقت ورود طهران سفیر روس خواست بدیدن او برود و ورودشرا تهنیت بگوید — ولی حضرت ولیعهد بوذیرامور خارجه دستور العمل داد بسفرا اخطار نماید که حاضر است هر يك از سفرا را باهیت سفارتخانه ایشان برحسب تقدم دیپلوماسی

جداگانه پذیرائی نماید

وقتی که من بااعضای سفارت بحضور ایشان رفتم خیلی بطور دوستانه با ما ملاقات کرده صحبت داشت — در صورتی که من باکمال جدیت از مذاکرات پلتیکی احتراز می‌جستم باز دو اشاره محبت آمیز نسبت بمجلس جدید و قواعد پارلمانی که پدرش امضا داشته بود نمود

اما در خصوص وضع و سلوک خویش نسبت بشروطیت خیلی دقت داشتم و مواظب بودم که خود را هوا دار و حامی مشروطیت در انظار عامه جلوه بدهم — اگر چه اعتقاد کافه مردم اینست که او قلبا مخالف و بر ضد آزادی عمومیت و محققا برای رفع این احساسات عامه آنچه در قوه داشت از قبول کردن مشروطیت و سایر وسایل برای جلب قلوب اهالی بکار برد — چنانچه بر من معلوم شده است حالیه دانسته اس بهر تدبیری که تواند خوبست خود را در انظار ملت حیر حواء و طرفدار آزادی جلوه دهد — و نیز می‌توانم یقین کنم که نصایح عاقلانه سیر دوس کهکی شد در اصلاح نزاعی که ممکن بود وقوع یابد و حالی از محاطره بود [امضا] سراسپرنیک رایس

نمره - ۹

مکتوب سراسپرنیک رایس به سیراد و اردگری (وصول ۱۲ ژانویه)

ار ضهران ۳ ژانویه ۱۹۰۷

مجلس ملی ایران بطور کامل تشکیل یافته فقط از وکلای
 طهران عده قبلی وارد شده اند - حکام ولایات خیلی مخالفت می
 نمایند - و در بعضی مواقع انتخاب کنندگان و منتخبین مردم در
 وظیفه خود سستی و تسامح می ورزند و تاکنون قوانین و تنظیمات
 امروزه هیچ مراعات نمی شود - اعضای مجلس در روی زمین
 بطور دایره نشسته و رئیس در آخر اطاق جلویک میز پایه کوتاهی
 قرار می گیرد - مجتهدین بزرگ که همیشه حاضر شده مداخله در
 امور و مشارکت در مذاکرات می نمایند در صدر اطاق مقابل
 وکلا می نشینند - هر يك از اعضا می توانند در خصوص هر مطلب
 جداگانه مذاکره کنند و بندرت اتفاق می افتد از مذاکرات بی
 ربط خود نتیجه اخذ کنند

در اطاقی که مشغول مذاکره هستند عامه مردم اذن دخول
 دارند و می توانند مذاکرات وکلا را قطع نموده حتی خودشان
 هم صحبت بدارند - مع هذا این وضع ناشایسته رفته رفته دارد
 مخفی پیدا میکند بطور کلی نظام بخوبی برقرار و جلسات
 بطور آرامی و شکوه تشکیل می یابد

در این اوقات مذاکرات عمده مجلس گرفتن قانون اساسی
 و امتیاز بانک ملی بود .

چون اولین اقدامی که مجلسیان اختیار نمودند منع قرض
 از خارجه بود لهذا تکلیف خود را در این دیدند که سرمایه برای

دولت فراهم آرند - تدارك اين نهيہ را به تشكيل بانک ملي عنوان نمودند - و قرار بر اين شد که مردم برای تشكيل بانک اماميه داده و در عوض اسناد بانكي دريافت نمايند و قرار شد پرواني که دارای وعده است بيول نقد تبديل نيابد مگر بضائت صحيح و معين - در خصوص اين مطلب هنوز بادولت مشغول مذاكره هستند ولي چون امتياز چك بانک يعنى اسکناس مخصوص بانک شاهنشاهی است اين قرار دادرا مفيد و سود مند ندیدند آخر الامر چنين قرار شد که بانک ملي حق جمع آوری و اخذ مالیه مملکت داشته باشد - در اين خصوص دولت ناآچار عمده مشغول مذاکره و معاهده است و تاکنون قرار قطعی بايخطب داده نشده مهمترين مذاکرات در خصوص قانون اساسی است و تقانون اساسی رسماً از دولت گرفته نشود هيچ کاری بطور معين صورت پذير نيست و همه روزه احتمال اغتشاش و بی نظمی ميرود

در افواه بود که وليعهد مخالفت و محقق بود که دوباربان آنچه درقوه داشتند در منع شاه از امضای قانون اساسی بکار بردند اما وليعهد مکتوبی بيکی از مجتهدين بزرگ نوشته و در آن مکتوب از شایعاتی که نسبت بخودش بين مردم بود جداً انکار داشت و اين يك نجات عمده رای او شد - روز ورودش در طهران هيئتى از اعضاى مجلس نزد او رفته چون مراجعت کردند ميگفتند که باوزبان ملاطفت و مهربانی خبلى اظهار همراهی می کرد

در این وقت چون به نیابت شاه رسیدگی بامور می نمود
 هیبتی بنمایندگی دولت معین کرد که باکیتة که مجلس تعیین نموده
 بود در خصوص قانون اساسی مذاکره نمایند این دو هیئت پس
 از مذاکرات اتفاق آراء خودشانرا در مجلس اظهار داشتند —
 بالجمله همین که معلوم شد يك مجلس ثانی مقرر خواهد گشت که
 دولت می تواند بیشتر از اعضای آنرا انتخاب کند همه و
 غوغای عظیمی روی داد که سعدالدوله مهیج عمده آن بود و ایراد
 می گرفت — رئیس مجلس تعرضات بسیار نمودند و دشنام دادند
 از آنپس رئیس راضی نشد که نشسته مذاکراترا استماع نماید یا
 بعضی از دوستانش از مجلس حرکت کرده اظهار استعفا نمود .
 در اذهان عامه چنین جایگیر شده بود و من هم بواسطه
 بعضی دلایل میتوانم یقین کنم که بعضی اشخاص که غرضشان
 برهم زدن مجلس بود رایگان پولها خرج می کردند که بمقصد خود
 نایل شوند و بواسطه مداومتی که در راه این مقصد داشتند تا
 اندازه اعمالشان بی نتیجه نشد — در این موقع مردم بعضی از
 وکلای وطن پرسترا و ادار نمودند که رئیس را ترقیب به ندادن
 استعفا نمایند

عاقبت اتفاق و اتحاد فیابین دولت و ملت روی داد و در روز
 اول ژانویه — صدر اعظم باقانون اساسی که شاه و ولیعهد باخود
 او امضا کرده بودند وارد مجلس شد و در حضور مجلسیان و

نظاره قرائت کردند (امضا) سیر اسپرینک رایس

نمره - ۱۰

تلگراف سیر اسپرینک رایس به سیر ادوارد کری

از طهران ۶ فوریه ۱۹۰۲

اگر چه آثار شورش و انقلاب موجود است کما می کنم این اوقات مردم هیجان بزرگی بر ضد دولت نمایند - و بر ضد بلژیکیان در کمر اقدامات مینمایند - و مرد مرا بر مخالفت قروض و امتیازات خارجه و قطع نفوذ بلژیکی اجانب تحریک می کنند - ولی باین حال احتمال خطر جانی و مالی برای تبمه خارجه بهیچوجه نمی رود - و نسبت به عامه عیسویان اظهار معاندت و مخالفت نمی کنند - اما هر چند حالیه برای اتباع خارجه خطری نیست ولی اگر دول خارجه در امور داخله ایران مداخله نمایند مسلم است در این صورت امنیت مرتفع و اتباع خارجه دچار خطرات سخت خواهند شد من مصلحت چنین می دانم که دولت انگلیس و روس تمامی توانند از مداخله در این کوه امور دوری نمایند ولی بایستی دولتین تدابیر و نقشه اقدامات نظامی و مالی خود را برای محافظت اروپائیان اگر در اتیه لازم بشود نت و مقرر دارند

نمره - ۱۱

تلگراف سیر ادوارد کری به سیر نیگلن

از وزارت امور خارجه مورخه ۱۶ فوریه ۱۹۰۲

در ششم همین ماه سیراسپرنیک وایس تلگرافی در خصوص عدم مداخله در پلتیک ایران مخبره کرده است - و ما رای او را در مداخله نکردن با امور داخله ایران پذیرفته و با عقیده او متفق و شریکیم - این مسئله را شما بوزیر امور خارجه دولت روس عنوان نمائید - ملاحظه را که دولت اعلیحضرت انگلستان نموده است اینست که هر اقدامی که بواسطه قوای نظامی بشود مخالف با اصول عدم مداخله خواهد بود

نمره - ۱۲

تلگراف سیر نیکلسن به سیر ادوارد کری

از پترسبورگ مورخه ۱۲ فوریه ۱۹۰۷

وزیر امور خارجه روس امروز شرح ذیل را در خصوص دولت متبوعه خود بمن بیان نمود

عدم مداخله در امور داخله ایران - عدم استعمال قوه نظامی مگر در صورت ضرورت آنها با کمال احتیاط و محدود محدود باریک - متفق بودن در هر امری با مسلك دولت اعلیحضرت انگلستان - و اقدام نکردن بهیچ کاری مگر بصلاح و مشورت یکدیگر همچنین اظهار داشت که امید است دولت انگلستان این سبک را مرتی دارد - من باو اطمینان دادم که یقینا سلوت ما هم بهمین نحو خواهد بود

نمره - ۱۳

تلگراف سیر ادوارد کری به سیر نیکلس

از وزارت امور خارجه ۱۳ فوریه ۱۹۰۷

رفتار و پلنیک دولت روسرا که تلگراف دیروز شما
حاکم از آن بود دولت انگلیس موافقت و منظور خواهد داشت -
رضایت ما را در این خصوص بمسئولین و واسطی اظهار دارید

نمره - ۱۴

تلگراف سیر اسپرنیک رایس به سیر ادوارد کری

از طهران ۱۲ فوریه ۱۹۰۷

دیروز وزیر امور خارجه (ایران) را ملاقات نموده
گفتم که هیچ دولتی حق مداخله در (ایران) ندارد مگر وقتی
که اتباع ایشان دچار مخاطرات جانی و مالی ~~شکست~~ کردند - و از او
خواهش نمودم این مسئله را رؤسای حزب عامیون اطلاع
داده و توضیح نماید

من و سفیر دولت روس این معنی را همیشه تصریح می
نمودیم و متشکرم که رؤسای ملک درك آنرا نموده اند

نمره - ۱۵

(چون نمره (۱۵) ترجمه قانون اساسی بانگلیسی بود

لهذا از ترجمه و درج آن صرف نظر کردیم)

شماره - ۱۶

مکتوب سیراسپرنیک رایس به سیرادوارد کری وصول

۱۸ فوریه ۱۹۰۷

از طهران بتاريخ ۳۰ ژانویه ۱۹۰۷

تلگرافا بشما اطلاع داده شد که شاه در هشتم همین ماه

قریب به نصف شب از دنیا رفت

چون مدتی بود که می دانستند آن اعلیحضرت علاج پذیر

نیست و مایوس از حیوة او شده بودند و نیز پسرش نیابت

سلطنت می کرد لهذا در رحلت وی هیچ اغتشاش و بی نظمی

در شهر رخ نداد

روز دیگر جسدشرا به نیکه دولت که ایام محرم تعزیه

داری می گنند برده امانت گذاردند چه که در دم آخر وصیت

کرده بود که نعش ویرا بکربلا برده انجا دفن نمایند ولی چون

مردم او را پدر آزادی ایرانیان میشناسند راضی نگشتند جسدش

از ایران خارج شده و بعلاوه مبلغ کثیری پول برای مخارج

حرکت جنازه اش صرف شود

روز دهم ژانویه ۱۹۰۷ هیئت دیپلماتکی خارجه ازطرف

دولت مطبوعه خویش بصدر اعظم تبلیغ تعزیت و تسلیت نمودند

و روز سیزدهم همان ماه ایشانرا با لباس رسمی برای

تبریک و تهنیت جلوس پادشاه تازه بدربار دعوت کردند — و

قرار شد احتراماتی که میخواهند بجزایه شاه متوفی نمایند نیز در همان روز باشد - در همان روز ما سفر را در يك اطاق کوچکی که تا تصورات سلاطین دول خواجه زینت یافته بود پذیرائی شدیم - هیئت سفر را بواسطه بی مناسبتی محل و ضیق مکان در يك دایره بسیار کوچکی فشرده شدند - اعلیحضرت که داخل اطاق گردید و در جای خود قرار گرفت سیر عثمانی زبان به تهنیت و تبریک گشود و بعد * وزیر دربار سفر را یکان یکان معرفی کرد و هر کدام که معرفی میشد شاه باحزنی حرکت سر بوی اظهار التفات می نمود - وقتی که شاه از اطاق خارج شد ما نیز بیرون آمده به تکیه دولت که شاه متوفی را در آنجا دفن کرده بودند رفیقیم - سفیر عثمانی پس از چند لحظه توقف مقابل مقبره ایستاده و ما نمایندگان عیسوی در عقب او قرار گرفتیم مشار الیه بخواندن فاتحه مشغول شد و چون ختم نمود همگی مراجعت کردیم

در بیستم ژانویه ۱۹۰۷ - مطابق پنجم ذیحجه ۱۳۲۴ - رسومات تاج گذاری پادشاه جدید بعمل آمد و به محمد علی شاه موسوم گردید - اگر چه می دانستم دولت مایه نیست وزیرای مختار در تاج گذاری دعوت شوند و مخالف اولین مقاصد خود میدانست مایه حال مقرر شد که ایشان نیز در آن روز حضور
* در این وقت وزیر دربار سلطانعلی حاکم نائب بودیر امجد بود

داشته باشند — وزیرای ایران و سفرای خارجه در اطاقی که برای تاج گذاری معین شده بود از هر سمت صف کشیده ایستادند و تختی را که بفلط موسوم تخت طاؤس دهلی است در صدر اطاق نهاده و تخت طاؤس حقیقی یا چیزی که از آن باقی و موجود است در طرف دیگر اطاق نه محض اینکه ر روی آن بنشینند بلکه برای زینت مجلس قرار دادند و جواهراتی که تخت مزبور مرصع گوی شده بود نظر عالمی را بخود جلب نموده از تلالؤ چشمرا خیره و عقلا مات مباحث

شاهزادگان منصبین بسطنت در اطراف تختی که شاه بر روی آن جلوس خواهد نمود ایستادند علما و مجتهدین عمده که حاضر بودند بر روی زمین جای گرفتند — شاه و صدر اعظم و رجال دربار وارد اطاق شدند و رفتند بالای آن — علما بر پا ایستادند و اعلیحضرت بر فراز تخت بر آمد — پسرش ولیعهد که به سن دوازده ساله است بر روی یکی از پله های تخت تکیه جست — مجتهدین پس از ذکر نام خدا و خواندن خطبه او را پادشاهی ایران تبریک و تهنیت گفتند

بعد صدر اعظم از پله های تخت بالا بر آمده تاجی را که با جواهرات نادری زینت و آرایش یافته بود و شاه سابق نیز در وقت تاج گذاری بر سر نهاده بود بر سر شاه نهاد ولی چون تاج بسیار سنگین و بزرگ بود سر وی طاقت

نگهداری تاج را نداشت از این جهت محمور شد که بهر دو دست آنرا نگاه بدارد - پس از چند دقیقه تاجرا برداشت و بجای آن کلاه رسمی ایرانی که حقه نادر را داشت بر سر گذاشت پس خطیب پیش آمده بنام اعلیحضرت و شمردن القاب آن، و احداثش شروع بخواندن خطبه نمود و پس از اتمام خطبه شاعر درباری قصیده در مدح شاه سرود - این رسومات که انجام یافت جمعیت وزرا و رجال دربار پیش آمده علما و شاه زادگان در اطراف تخت گرد آمده همگی بیک مرتبه تبریک و تهنیت گفتند

بعد از آن شاه از تخت فرود آمده سفرا و نمایندگان خارجه يك يك معرفی شدند - در این وقت من و سیر روس موقع را مناسب دیده که از طرف پادشاه انگلستان و امپراطور روس ولیمهدی سلطان احمد مرزا را بنام اعلیحضرت تبریک بگوئیم - و شاه با کمال رضایت و خوشنودی بمن اظهار داشت که امروز صبح اعلیحضرت * ادوارد شخصاً تبریک بخاربه نموده اند خلاصه پس از این گفتگوها از اطاق خارج شد

روز دیگر در قصر سلطنتی سلام عام منعقد گردید و چون صاحب منصبان و سایرین از طبقات دوم دولتی حاضر شدند پس از لحظه شاه ورود نمود و قبل از ورود شاه سپر جواهر نشان معروف را محض تجمیلات مرسومه حاضر کرده بودند - همین که

* اعلیحضرت ادوارد پادشاه انگلستان

شاه بر فراز تخت مرمر برآمد و مربع بر بالای تخت جلوس نمود
 رحب معمول خطیب و شاعر بقرائت خطبه و خواندن شعر
 مشغول شدند در سورتی که شاه در بالای تخت در حضور اهل
 سلام بکشیدن قلیان جواهر مشغول بود — پس از اتمام خطبه و
 شعر آنگاه شاه از تخت بزر آمده بسمارات داخلی قصر سلطنتی
 رفت و صف سلام بر همخورد — پولهای طلائی که مخصوص این
 موقع سکه کرده بودند بعضی از اشخاص ~~سکه~~ از جمله آنها
 خانمهای اروپائی بودند شاه برسم انعام بخشش نمود

(امضا) سیسیل اسپرینگ راپس

نمره - ۱۷

ایضا مکتوب سیراسپرنیک راپس به سیر ادوارد کری -
 (وصول ۱۸ فوریه)

از طهران بتاريخ ۳۰ ژانویه ۱۹۰۷

خیلی افسوس دارم که تاکنون مابین شاه و طرفداران
 ملت اتفاق و اتحاد معنوی دست نداده

اطرافیان شاه بخصوص نایب السلطنه پدر زنت باعث
 ازجار خاطر اهالی و مورد توبیخ و سرزنش ملت واقع شده اند -
 و نیز باعث ازدیاد هیجان ملت بر ضد شخص شاه گردیده .

از طرف دیگر مجلس در اتحاد قدمی برنداشته است -
 و همه قسم اشکال بواسطهٔ اعضاء از تولید می شود - نه در اصلاح

کارهای دولت می پردازند و نه در خیال فراهم کردن سرمایه هستند که بواسطه آن امور مملکتی را اصلاح نمایند. سلوک دولت نسبت بمجلس کلیناً بطریق مخالفت و ضدیت است بنا بر این روابط فبا بین ملت و دولت البته به بدترین اوصاف منحصر خواهد شد

پیر مردمانی که مربوط بادولت بوده و مطلع از امور هستند اظهار می دارند که بواسطه این اوضاع ناگوار ناچار نزاع و زد و خوردی روی خواهد داد و من هم آنچه کسب اطلاع کرده ام تحت اقوال آنها را می رساند چنانچه بعضی از اعضاء طرفداران پارلمانرا که من ملاقات کردم ثابت داشتند که دولت خیال دارد مجلس را بر هم زند و این اساس را برچینند. باینکه این کار عاقبتی وخیم خواهد داشت و بموم مردم صدمه کلی وارد گشته جزئی نظمی واغتشاش نتیجه دیگر نخواهد بخشید. و مردمرا عقیده اینست که قشون اگر فرمانده متدیعی داشته باشد هرگز بامت طرف نخواهد شد.

کسیه مزار در این وقت هیجان زیادی دارند و در بعضی از نقاط مملکت مخصوصاً دو تبریز و رشت شورش و انقلابات برپا است و مردم علناً بر ضد سلطنت میباشند

دولت از انقصاد و مرتب شدن بعضی از انجمنهای ایالتی مراکز عمده مملکت بسیار مضطرب و متوحش است زیرا

حکومت آن نقاط را خود انجمنها خیال دارند بوضع مخصوصی اداره کنند و از طرفی حکام آن حدود قوه و استعدادی ندارند که بتوانند خیالات آنها را جلو گیری کرده نگذارند اقدام به این حرکات نمایند

اکنون آنچه خطر میرسد آنست که یا باید شاه با ملت متحد شده و نتیجه اتحاد را به اصلاحات عملی ظاهر سازد و یا آنکه علناً مخالفت نموده شروع بستیزه و مجادله نماید

سابقاً دقت شما را در خصوص ازدیاد احساسات ضد اروپائی که مخصوصاً در مجلس قابل ملاحظه است جلب نموده بودم — این احساسات بواسطه ترس از معاهده جدیدی بین دولین روس و انگلیس است — در موردی که انعقاد این معاهده و علائم ظاهره همقدیمی دولین نیست مگر برای حفظ استقلال ایران

نمره - ۱۸

مکتوب سیراسپرنیک رایس به سیر ادوارد کری (وصول

۱۸ فوریه)

از طهران مورخه غره فوریه ۱۹۰۷

حلاصه وقایع یکماهه ایران

تبریز

در اوایل ژانویه — نظام الملك فرمانفرمائی آذربایجان

منسوب شده و از طهران به تبریز روانه گردید - امام قلی میرزا را بحکومت ارومیه نامزد کردند - پس از ورود نظام الملك به تبریز چون انجمن ایالتی را مخالف با خیالات خود دید شروع کرد بشکوه و اظهار دلتنگی بشاه کردن - این مسئله را آقا سید عبد الله در مجلس عنوان نمود ولی وکلا تصدیق درست کاری انجمن ایالتی آذربایجانرا کرده و کفتار نظام الملك را تکذیب نمودند

در حوالی ارومیه اسکراذ بنای غارت و واهزنی را نهاده علیجان نامی را از اهل (چلیانلو) بقتل آوردند خانواده مقتول با چهار صد نفر از اهالی ارومیه بقسوخانه انگلیس پناهنده شدند بنای نظم و داد خواهی را هادند ولی توقفتشان در قسوخانه چندان طولی نکشید - و جمعی دیگر در همانوقت در تلکرافخانه متحصن شده خرابی بسیار به آنها وارد آوردند.

وضع ارومیه در سال گذشته بقدری ناگوار بوده است که اگر دولت برای آسودگی اهالی سلیم بردار آن ولایت اندک حاره و جزئی اقدامی ننماید امکان ندارد مردم تحمل حالات نا هنجار حایه را داشته باشند و عاقبت انقلابی دست ندهد.

مثل اینکه در ۲۹ دسامبر اهالی ارومیه سه نفر کرد سولدوزیرا که کدم بشهر آورده میخواستند بفروشد بقتل آوردند در صورتی که ظاهراً هیچ کنشای نداشتند و برای اینکه مردم

تلافی و معارضه بمثل نموده باشند کار هائی کردند که سبب هیجان کلی و باعث اغتشاش زیاد شد.

حکومت اردوی نظامی تشکیل داده برای جلو گیری اکراد قریه (باند) روز پنجم همین ماه روانه نمود و چون به (باند) رسیدند آن ده را خراب کرده قریب چهار نفر از اهالی اردو و اکراد بقتل رسانیدند ولی از اکراد چندان کشته نشدند و در نهم همین ماه امام قلی میرزا که عازم ارومیه شد (مستر راتیسلا) * را ملاقات نموده اظهار داشت که تلفات اکراد چندان نبوده و خیال دارد بهار آینده اردوئی مقابل اکراد روانه نماید و اعتقادش اینست که بر آنها ظفر خواهد یافت - بهر حال خطر حمله کردها هنوز باقی است و دعا انکاسی بهیجوجه اطمینان امنیت ندانند اگر چه بواسطه بودن امام قلی میرزا احتمال امنیت می رود - و مستر راتیسلا از حال وی اطلاع نیکو داود و عقیده اش درباره او اینست که می تواند بخوبی از عهده اصلاحات آن سامان بر آید .

روز هشتم همین ماه وکلای دوازده گانه تبریز عازم طهران شدند و هزاران هزار از سکنه شهر ایشانرا مشایعت نموده و در روی پله قرآنی را که در ماه سپتامبر گذشته رؤسای شهر بان قسم نخورده بودند که حافظ حقوق ملت باشند حاضر نموده و

* مستر راتیسلا قنصل انگلیس

و کلا را از زیر آن قرآن عبور دادند — از این حرکت مردم را
حالت جان سوزانه خیلی مؤثری دست داد

اداره راه شوسه روسها در وصول باج راه دچار اشکالات
و زحمات بسیار گردیده است — مخصوصاً بواسطه سکنه دهات
و قراء واقعه در امتداد راه که چون بر باج اهالی آن دهات افزوده اند
ایشان ایراد سخت وارد آورده اند که چرا باید اضافه از خراج
معموله از آنان گرفته شود — لهذا ترك آن راهرا گفته از جاده
قدیمه که برای مقاصد خویش مکی دانسته اند عبور و مرور می
نمایند — چون عابری در دادن باج راه امتناع می ورزند و
بها میشود که بکش مکش منجر میگردد و غالباً فرار میکنند
لهذا حکومت یکدسته سوار برای محافظت راه مامور ساخت
اهالی دهات ایشانرا کتک زده و به تبریز معاودتشان دادند —
خلاصه آنکه هیچیک از طبقات باکیانی همراهی ندارند

رشت

حکومت اطهار عدم اقدار نموده و گفته است متجاوز
از پانزده هزار تومان در محل باقیست که احتمال وصول آنرا نمی
دهد و حدس می زند که يك خونریزی واقع خواهد شد بلکه
انتظار آنرا دارد — فدائیان در رشت دو انجمن دارند یکی
سری و دیگری علی که دستور آنها از هیئت آمره که در قفقازند
داده میشود

وضع حزب مجدد طلبان رشت معاینه حالت شورشیانست
و رفتار ایشان باعث وحشت و نگرانی دولت در طهران
گردیده است

اوضاع رشت تا بک اندازه بواسطه ضعف و بی کفایتی
وزیر اکرم حاکم آن ولایت است که سابق * وزیر دربار شاه مرحوم
بود — شاه او را ملامتهای سخت و سرزنشهای بسیار نموده
ویرا معزول و بجای او سپهدار را بحکومت مقرر داشت ولی
مجلس حکومت سپهدار را تصویب نمود

اهالی رشت در موقع تاج گذاری شاه تاز مجلس طهران
بایشان امر نشد از گرفتن جشن امتناع داشتند — پس از آنکه
آقا سید محمد مجتهد تلکراف نموده ایشانرا اطمینان کلی داد و
متقاعد ساخت که شاه با مجلس و مشروطه موافقت و همراهی دارد
آن وقت اهالی راضی شدند که بازار را زینت داده چراغان نمایند
اصفهان

* مستر برن هم اطلاع میدهد که انتخاب وکلا باصره آقا نجفی
نظر ناین بود که منافع شخصی او در مجلس طهران محفوظ باشد —
و نیز انجمن ولایتی بریاست آقا شیخ نورالله حکومترا تصرف

* وزیر اکرم که حاکم رشت بود وزارت دربار را نداشت ولی اشتهاء

وزیر اعظم سلطان علی خان شده است که وزیر دربار بود

* مستر برن هم — قنصل انگلیس مقیم اصفهان

کرده و هفته دو مرتبه انعقاد می یابد و در هر امری مداخله نموده اغتشاش و ازجار خاطر عمومرا فراهم می سازد .

شیراز

انجمن ایالتی مرکب از سی عضو که از طبقات مختلفه انتخاب شده است دایر گردیده ولی چندان کاری از پیش نبرده است و چون خبر فوت شاه بدانجا رسید اغتشاش وزحمتی روی نداد طهران - ۳۱ ژانویه ۱۹۰۷ (اهضا) چرچیل

مره - ۱۹

مکتوب سیراسپرنیک رایس (وصول ۱۸ مارس)

طهران ۲۴ موریه ۱۹۰۷

سال گذشته هیجان عامه بر صد بلژیکیه در ادوات کمره مخصوص خدیت با مسیو نوز بقدری سخت شد که مشار الیه توقف در این مملکترا خالی از خطر ندانست لهذا بسمت ماهوریت عازم اسلامبول گردید - یائیز همان سال که مراجعت نمود مردم مخصوصا بر ضد صدر اعظم و اوضاع مشوشه مملکت هیجان نموده بودند و اگر چه حرکت وی از طهران یکی از خواهش های عمومی را صورت داد ولی مردم چندان قابل اعتنا ندانسته و مانند سایر مطالبیکه اصلاح و تمجید اثر را خواستار بودند اصرار نداشتند - مسیو نوز توانست تحصیل حکم تبعید دشمن عمده

خویش یعنی سعدالدوله را بجايد و خود نیز به پطرز بورغ دعوت شد که معاونت نماید در معاهدات فرضی که قرار بود در سپتامبر داده شود. دولت ایران امتناع نمود که اختیار معاهدات را بمشار الیه واگذارد لهذا رفتن مسیو نوز موقوف و در ایران متوقف گردید.

سعدالدوله اجازه یافت که بطهران معاودت نماید و همین که مجلس منعقد گردید دوباره بر علیه باژیکها و ریاست ایشان در کمرکات مردمرا بشورانید ~~مس~~ سر کرده اعتدال خواهان یعنی صنیع الدوله که ریاست مجلس را داشت منتهای جد و جهد را در رفع این هیجان بکار برد و حتی حاضر شد که اگر مجلس بکونایه این قضیه پردازد از شغل خویش استعفا دهد و اثر چه اعضاء مجلس باطنا باوی هم عقیده بودند ولی مجبور شدند که تسلیم سایرین باشند.

اولین مذاکره که در مجلس مطرح گفتگو شد این بود که آیا مسیو نوز وزیر مسؤلت یا نیست؟ — اما صدر اعظم سابق تفتیش کلیه مالیه مملکترا بدو تفویض نموده بود و نیز مفتشی صندوق یا بعبارة اخری ریاست خزانه دولتی را که عایدات عموم ولایات بدانجا بایستی داخل شود باو واگذار کرد و علاوه بر ریاست نامه اش بر اداره کمرکات که فقط نزد صدر اعظم مسؤایت انرا داشت بست و ضرابخانه نیز بدو سپرده شده بود — باری

وقتی که مجلس در باب پیشرفت کلیه امورات بخصوص از اوضاع مالیه بتوسط وزرای شاه از دولت توضیحات بخواست مسیو نوز در مجلس حضور بهم رسانید - و چون مجلس از ناصرالملک وزیر مالیه سؤالات مربوط بعمل مالیه نمود در جواب چنین رسانید که وی اقتدار آنکه بتواند تفتیشی در کارهای مالیه بنماید بهیچوجه نداشته بلکه فقط در حکم یک محاسبی بوده است و هم اظهار داشت که مسیو نوز خود را مسؤول او نمیداند حتی صورت محاسبات سه ساله اخیره اداره کمرکات را تاکنون تهیه ننموده است که اراده بدهد .

مجلس از این اظهارات دچار مشکلات و تحیرات گردیده در سدد اصلاح برآمد و شخصی که مسؤول یک چنین اداره مهم مملکتی بوده باشد معلوم نبود کیست ؛ بدین لحاظ صورت اسامی و درانی مسؤولرا طلبیده و * صدر اعظم سورتی فرستاد که اسم مسیو نوز در آن مندرج نبود لهذا مجلس گفت : اگر مسیو نوز وزیر مسؤول نیست باید لقب وزارت و شغل او را که بر حسب قانون اساسی حق ندارد از وی گرفت .

پس از چند روز تعلل و تسامح که در ظرف این مدت هیجان مردم بنقطه خطرناکی رسیده بود شاه سر تسلیم پیش آورده عزل مسیو نوز و مسیو پریم را از مقام وزارت و دیرکتور

* صدر اعظم - میرزا نصرالله خان مشیرالدوله

جنرالی **ڪمرڪات** دستخط نمود و مردم از عزل ایشان اظهار
مسرت و شادمانی نمودند (امضا) **سسيل اسپرنیک و ايس**

نمره - ۲۰

ايضا مکتوب **سپراسپرنیک و ايس** به سير ادوارد **ڪري**

وصول ۱۸ مارس

طهران ۲۷ فوریه ۱۹۰۷

مطالبی را که دو مدت ماه گذشته مجلس اهتمام داشت که شاه
قبول نماید پذیرفته و مقبول افتاد - یکی عزل **مسیو نوز و مسیو**
پریه که هر دو بلژیکی و مستخدم دولت بودند و دیگر شناختن
سلطت ایران را بشروطه و محدود بودن محدود معینه .
سبب اینکه شاه نتوانست امتناع از قبول امور مذکوره
نماید بواسطه اخبار موحشه تهديد آهیزی دانستم که از هر طرف
بخصوص از تبریز رسیده بود - و نیز معروفست که شاه گفته اند
فدایانی که مسلک طایفه ادم کشهای قدیم ایران را پیشنهاد
خود نموده تشکیل انجمن داده اند

مجلس در پیشرفت مقاصد سابق الذکر ایستادگی بسیار نمود
چنانچه وکلا تمام مدت روزی را که مطالب خویش را پیشنهاد
شاه نموده بودند منتظر جواب بوده و هیچیک از اعضا اجازه
خارج شدن از مجلس نیافت تا وقتی که پس از گذشتن پاسی از شب
جواب مساعد بدیشان فرستاده شد - در داخل باغ مجلس قریب

سه هزار جمعیت ناکال نظم امروز را آتش توفان داشتند - نحو
آماده بستن بازار شده بودند و اتصالاً با رؤسای ولایات مخابرات
تلگرافی می نمودند - همین که قاسد شاه وارد گشت تمام جمعیت
اظهار شادمانی و مسرت و خوشوقتی نمودند بطوری که صدای
زنده باد ایشان در فضای باغ انعکاس داشت .

در ورود وکلای تبریز مردم با استقبال شتافته احرامات
شایان سبت بایشان عمل آوردند - و شخصی که در آن وقت
حضور داشت شرح می داد که در حوالی منازل ایشان جمعیت
کنبری با نهایت اشتیاق منتظر بودند که چون موقع بدست آید
دامن واردین را ببوسند .

ادکر چه همراهی مجتهدین و علمای بزرگ را از روی
واقفیت نمیدانستند ولی آنها نیز در این وقف اقدامات خویشمابه
عرصه ظهور در آوردند - و عاظم در مساجد و محافل مردمرا به
وطن دوستی و اتفاق با کلیه ایرانیان موعظه و اندرز
می نمودند .

حرکات و رفتار ملی از طریق سیاسی و مذهبی خارج
نیست و این وضع در همه جا معمول و شایع است - علمای بزرگ
کربلا اکنون بعین رحواسته ملذرا حمایت و همراهی مینمایند -
و از پایتخت نمایندگان چند بولایات و اطراف روانه کرده اند که
مردمرا از مقصد اصلی حریت و قوانین آزادی آگاه ساخته

ایشانرا بیدار سازند .

حب وطن که علامت متمایزه ایرانیانست همیشه از صفات معتقدین طریقه شیعه و از اعتقادات این طایفه بشمار رفته است - پادشاه حاکمه ایران چون وثبه مذهبی ندارد در انظار رؤسای مذهب شایسته از نیست که ایرانیان او را مستحق اطاعت و امرشرا مطاع بدانند - چه پادشاه حقیقی را امام دوازدهم می دانند ~~اگر~~ چه از نظر غایب است ولی حی و حاضرش می خوانند و شخص پادشاهرا اولوالامر و مقتض الطاعه میدانند

(امضا) سیل اسپرنیک رایس

نمره - ۲۱

ایضا مکتوب سیر اسپرنیک رایس به سیر ادوارد کری

وصول ۲۸ مارس

طهران ۲۷ فوریه ۱۹۰۷

افتخار دارم ~~که~~ خلاصه وقایع و حوادث ایرانرا در

ظرف مدت ماه فوریه اتفاق افتاده لفا اوسال تمام

(امضا) سیل اسپرنیک رایس

خلاصه وقایع یکماهه ایران

طهران

در یازدهم همین ماه شخص مجهول الحالی یکی از معارف